

Developing the Evaluative Model for Cultural Policy Making Process based on Qualitative Study of Cultural Documents of Islamic Republic of Iran

Hossein Gorjpour

Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. E-mail: gorjipour.hossein@yahoo.com

Vahid Khashei

*Corresponding author, Associate Prof., Department of Business Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: khashei@atu.ac.ir

Alireza Eslambolchi

Assistant Prof., Department of Management, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. E-mail: alireza.slambolchi@gmail.com

Ali Asgharisarem

Assistant Prof., Department of Management, Faculty of Management and Accounting, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: ali_asgharisarem@yahoo.com

Abstract

Objective: Evaluation of cultural policy-making process in Islamic Republic of Iran which is identified based on cultural identity- needs a native pattern according to the religious culture of the Iranian community, because transmission of non-native evaluative patterns of cultural policy cannot be the gateway to this field. This research aims at identifying and forming utility indexes on each stage of the cultural policy-making process in Islamic Republic of Iran.

Methods: Research is conducted based on qualitative analysis of the three documents, cultural engineering map of the country, culture-related chapter of "the development prospects (1404)" and "Islamization of the country's universities", using theme analysis as a process for analyzing text data.

Results: Utility indexes on the cultural policy-making process are as follows: The understanding and realization of the problem stage including awareness and cognition, social growth, identity and deepening of the principles and religious education; The formulation of solution stage including efficiency, innovation, need-based and rational scientific issues; The legitimation stage including persuading and legal support; The implementation stage including synchronizing the time and place, structuring, soft and hard supplying and succeeding in legitimacy; and The evaluation stage including multi-level monitoring, continuous monitoring and intelligent monitoring.

Conclusion: Evaluative model in the cultural policy-making process helps policy makers and enforcers and stakeholders, at the first step, to prevent potential damage in decisions and cultural activities. In the next step, if it fails to reach cultural goals, by referring to the proposed model, they could identify the obstacles and problems and tend to solve them.

Keywords: Policy making, Culture, Cultural policies, Evaluation, Policy evaluation.

Citation: Gorjpour, H., Khashei, V., Eslambolchi, A., Asgharisarem, A. (2019). Developing the Evaluative Model for Cultural Policy Making Process based on Qualitative Study of Cultural Documents of Islamic Republic of Iran. *Journal of Public Administration*, 11(1), 47-72. (in Persian)



الگوی ارزشیابی فرایند خطمشی گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

حسین گرجی پور

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: gorjipour.hossein@yahoo.com

وحید خاشعی

* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: khashei@atu.ac.ir

علیرضا اسلامبولچی

استادیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: alireza.slambolchi@gmail.com

علی اصغری صارم

استادیار، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: ali_asgharisarem@yahoo.com

چکیده

هدف: ارزشیابی فرایند خطمشی گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای هویت فرهنگی شناخته می شود، به الگوی بومی مبتنی بر فرهنگ دینی جامعه ایرانی نیاز دارد؛ زیرا انتقال الگوهای غیر بومی ارزشیابی خطمشی های فرهنگی، نمی تواند در این عرصه راهگشا باشد. این پژوهش به دنبال آن است که شاخص های مطلوبیت را برای ارزشیابی بومی در هر مرحله از فرایند خطمشی گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران شناسایی و تدوین کند.

روش: روش اجرای پژوهش، بررسی کیفی سه سند «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، فصل مرتبط با فرهنگ سند «چشم انداز توسعه ۱۴۰۴» و سند «اسلامی شدن دانشگاه های کشور»، با بهره مندی از روش تحلیل مضمون، به عنوان فرایندی برای تحلیل داده های متنی است.

یافته ها: شاخص های مطلوب در فرایند خطمشی گذاری فرهنگی در قالب پنج دسته عبارت اند از: ۱. مرحله شناخت و درک مسئله، شامل بصیرت افزایی، رشد اجتماعی، هویت بخشی و تعمیق اصول و معارف دینی؛ ۲. مرحله تهیه و تدوین راه حل ها، شامل کارآمدی، نوگرایی، اقتضانگری و عقلانی علمی؛ ۳. مرحله مشروعیت دهی، شامل اقتناع پذیری و حمایت قانونی؛ ۴. مرحله اجرا، شامل تناسب سازی زمانی و مکانی، ساختار بندی، بستر سازی نرم و سخت و موفقیت در مشروعیت دهی؛ ۵. مرحله ارزیابی، شامل نظارت چندسطحی، نظارت مستمر و نظارت هوشمند.

نتیجه گیری: الگوی ارزشیابی در فرایند خطمشی گذاری فرهنگی، این امکان را در اختیار خطمشی گذاران، مجریان و ذی نفعان قرار می دهد که در گام نخست، از بروز آسیب های احتمالی در تصمیم گیری ها و اقدام های فرهنگی پیشگیری کنند و در گام بعدی، در صورت دست نیافتن به اهداف فرهنگی، با رجوع به الگوی ارائه شده، موانع و مشکلات را شناسایی و آنها را حل کنند.

کلیدواژه ها: خطمشی گذاری، فرهنگ، خطمشی گذاری فرهنگی، ارزشیابی، ارزشیابی خطمشی.

استناد: گرجی پور، حسین؛ خاشعی، وحید؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ اصغری صارم، علی (۱۳۹۸). الگوی ارزشیابی فرایند خطمشی گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، (۱۱)۱، ۴۷-۷۲.

فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۳۹۸، دوره ۱۱، شماره ۱، صص. ۴۷-۷۲

DOI: 10.22059/jipa.2019.268859.2409

دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲، پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

اساس انقلاب اسلامی ایران بر مبنای فرهنگ و توجه به رویکرد فرهنگ اسلامی در تمام ابعاد و شئون زندگی انسانی است. شورای عالی انقلاب فرهنگی در این خصوص بیان می‌کند که: «انقلاب اسلامی بدین معناست که فرهنگ اسلامی در کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی کشور، اصل و پایه و مینا قرار گرفته است» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱). با وجود الگوهای ختمشی‌گذاری فرهنگی غیربومی، رویکرد پایداری فرهنگی و توجه به توسعه فرهنگی، با انتقال الگوهای ختمشی‌گذاری که در قاموس علم ختمشی‌گذاری عمومی با مفهوم «انتقال ختمشی»^۱ (دانایی‌فرد، خیرگو، آذر و فانی، ۱۳۹۱) شناخته می‌شود، چاره‌ساز نخواهد بود. الگوهای غیربومی، مبتنی بر دخالت‌کردن دولت در عرصه و مراحل ختمشی‌گذاری فرهنگی است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۷۵). این مسئله در حالی است که در جامعه دینی نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش و دخالت دولت در عرصه ختمشی‌گذاری فرهنگی کتمان‌ناپذیر است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «فرهنگ، برنامه‌ریزی هم لازم دارد؛ نباید انتظار داشت که فرهنگ کشور به‌خودی‌خود خوب بشود و پیش برود ... نمی‌شود مسئولین کشور در زمینه هدایت فرهنگی جامعه مسئولیتی احساس نکنند ... ببینید کجا داریم می‌رویم، چه دارد اتفاق می‌افتد، چه چیزی در انتظار ماست؛ اگر چنانچه مزاحماتی وجود دارد، آنها را برطرف کنند ... ما اگر به یک باغبان ماهر و زبده می‌گوییم که علف هرزهای این باغ را جمع کن به معنای آن نیست که از رشد گل‌های این باغ می‌خواهیم جلوگیری کنیم یا به آنها دستور بدهیم؛ نه، شما اجازه بدهید گل‌های معطر و خوش‌بو طبق طبیعت خودشان، طبق استعداد خودشان، از آب و از هوا استفاده کنند ... اینکه ما گاهی با بعضی از پدیده‌های فرهنگی به‌جد مخالفت می‌کنیم و انتظار می‌بریم از مسئولان کشور به خاطر این است؛ یعنی معارضه با مزاحمات فرهنگی هیچ منافاتی ندارد با رشد دادن و آزاد گذاشتن و پرورش دادن مطلوبات فرهنگی؛ این نکته بسیار مهمی است».^۲

برای تفهیم مسئله انتقال‌ناپذیری الگوهای ختمشی فرهنگی، می‌توان به سند فرهنگی و آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو رجوع کرد. در این سند، حمایت از راهبردها و برنامه‌های جنسیت‌محور و جریان‌سازی مباحث جنسیتی باید در متون درسی دانش‌آموزان و شیوه آموزش معلمان به‌منظور ریشه‌کنی و تبعیض جنسیت‌محوری در کانون توجه قرار گیرد؛^۳ در حالی که این رویکرد با دیدگاه فرهنگ بومی و دینی جمهوری اسلامی ایران هم‌راستا نیست. بر این اساس، برای حفظ ارزش میان تفاوت‌ها و تمایزهای فرهنگی نوین و حل مشکلات و چالش‌های فرهنگی از قبیل گسترش ارتباطات و تهدید هویت فرهنگی، طراحی الگوی ارزشیابی ختمشی‌های فرهنگی با تأکید بر فرایند ختمشی‌گذاری در جهت تطبیق با فرهنگ ملی و دینی به‌منظور پیشگیری از بروز آسیب‌های تهاجم فرهنگی و همچنین تشخیص و درمان مشکلات و بازنگری در تصمیم‌ها و اقدامات فرهنگی، ضرورت می‌یابد. بهره‌نبردن از الگوی ارزشیابی مبتنی بر فرهنگ دینی و ملی

1. Public Policy Transfer

۲. بیانات امام خامنه‌ای در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳ / ۲ / ۲۸

3. We are committed to supporting gender sensitive policies, planning and learning environments; mainstreaming gender issues in teacher training and curricula; and eliminating gender-based discrimination and violence in schools.

در حوزه ختم‌شده‌گذاری فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، معضل مهم و اساسی به شمار می‌رود که به‌منظور رفع این معضل، رجوع به اسناد فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان آبرختم‌شده‌های^۱ فرهنگی که بر مبنای مطلوبیت فرهنگ دینی و ملی و بر مبنای نظر کارشناسان و خبرگان فرهنگی تدوین شده‌اند، می‌تواند ابزار مناسبی برای ترسیم الگوی ارزشیابی در فرایند ختم‌شده‌گذاری فرهنگی باشد. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش آن است که با توجه به اهمیت و نقش ختم‌شده‌گذاری فرهنگی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران، ارزشیابی مطلوب ختم‌شده‌های فرهنگی کشور بر مبنای اسناد فرهنگی، از چه شاخص‌ها و معیارهایی برخوردار است؟ به بیانی، در این مقاله تلاش شده است با بررسی اسناد بالادستی نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌های مطلوب در هر مرحله از فرایند ختم‌شده‌گذاری فرهنگی، شناسایی و تدوین شود تا بتوان نقشه‌راهی بر اساس وضعیت مطلوب، برای ارزشیابی وضعیت موجود فرایند ختم‌شده‌گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد و ارائه داد.

پیشینه نظری پژوهش

فرهنگ

در معنای عام و کلی، فرهنگ در نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران دینی به‌معنای بینش و منش هویت‌دهنده انسان در همه ابعاد زندگی، بر مبنای نگاهی عمیق و متأثر از ارزش‌های والای دینی است که به ساخت و کیفیت زندگی جامعه منجر می‌شود. امام خمینی (ره) در خصوص فرهنگ می‌فرماید: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه از نظر اقتصادی، سیاسی و صنعتی قدرتمند و قوی باشد؛ ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۴۳). همچنین از دیدگاه مقام معظم رهبری، فرهنگ ستون فقرات حیات ملت و هویت ملت معرفی شده است.^۲ از نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ کلیت به‌هم‌تافته و پیوسته‌ای از باورها، فضائل و ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه است که نقش مؤثری در ساخت و تحول کیفیت زندگی هر ملت ایفا می‌کند. رسیدن به رشد و توسعه فرهنگی نیازمند همفکری، همکاری و هماهنگی در حرکتی فرهنگی ملهم از آرمان‌ها و اعتقادات، ناظر بر تجربه‌ها و واقعیت‌ها و توجه به آینده و اهداف و ظرفیت‌ها و امکانات است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱). در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور، فرهنگ نظام‌واره‌ای است از باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراک و رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل داده و هویت آن را می‌سازد.^۳ از دیدگاه برخی صاحب‌نظران غربی، فرهنگ مبتنی بر ارزش‌ها و آداب رفتاری است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خویش دریافت می‌کند. تیلور فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، هنرها،

1. Mega Polices

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۲/۱۹

۳. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۱۶

باورها، قانون‌ها، اخلاقیات و عادت‌ها معرفی می‌کند که هر فرد از جامعه خویش فرامی‌گیرد (تیلور^۱، ۱۹۹۱). آنچه از تعاریف فرهنگ برمی‌آید، حاکی از آن است که این مقوله، موضوعی کاملاً مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای اساسی بوده و به‌طور مسلم، تفاوت در عقاید و آداب بر مبنای جهان‌بینی دینی و غیردینی متفاوت است و بر این اساس، ارزیابی آن نیز باید با توجه به ساخت زمینه جامعه یا به تعبیری، نگرش آن جامعه به ارزش‌ها باشد.

فرایند خطمشی‌گذاری

خطمشی‌گذاری مجموعه‌ای از اقدامات هدفمندی است که توسط بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با مشکل یا موضوعی خاص دنبال می‌شود (اشترین، ۱۳۸۱: ۲۷). همچنین خطمشی‌گذاری واژه‌ای است که معمولاً با مفهوم دولت همراه بوده و آن را خطمشی عمومی هم نامیده‌اند. برخی از صاحب‌نظران خطمشی‌گذاری، آن را مجموعه‌ای از اعمالی می‌دانند که به‌منظور دستیابی به هدفی به اجرا درمی‌آید و برخی دیگر آن را به‌معنای آنچه به‌عنوان مقاصد تعمدی سیاست‌گذاران در عمل به‌وقوع می‌پیوندد (جونز^۲، ۱۹۷۷: ۴) یا به آنچه دولت‌ها انتخاب می‌کنند که انجام دهند یا انجام ندهند (دای^۳، ۲۰۱۳: ۳)، تعریف کرده‌اند. در بین الگوهای مختلفی که در حوزه خطمشی‌گذاری ارائه شده، مدل فرایندی مدل کاربردی و مطلوب در خطمشی‌گذاری معرفی شده است؛ زیرا تمام مدل‌های دیگر به‌نوعی در آن مستتر است. مدل فرایندی با مراحل از قبیل شناخت و درک مسئله، طرح مسئله و تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، قانونی‌کردن و مشروعیت‌بخشیدن به خطمشی، ابلاغ و اجرای خطمشی و ارزیابی خطمشی، شناخته می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۰). به بیانی، در مدل فرایندی پیشنهادها و طرح‌های مختلف برای حل مشکل یا مسئله خاص تهیه شده و این پیشنهادها برای تصویب با در نظر گرفتن راهکارهای جایگزین و اجرای آن مطرح می‌شود و در ادامه، نظارت بر اجرای طرح و تعدیل کاستی‌های آن، به‌عنوان آخرین مرحله فرایند خطمشی‌گذاری، شکل می‌گیرد (قلی‌پور و آهنگر، ۱۳۸۹: ۴۷). مدل فرایندی خطمشی‌گذاری بر توالی منطقی فعالیت‌های توسعه خطمشی‌های عمومی تأکید می‌کند. این مدل می‌تواند برای درک جریان رویدادها و تصمیم‌ها در زمینه‌های فرهنگی و نهادی گوناگون مفید باشد (پورعزت و رحیمیان، ۱۳۹۱). مهم‌ترین مرحله میان مراحل فرایند خطمشی‌گذاری، مرحله ارزشیابی خطمشی است که بدون تحقق آن فرایند خطمشی‌گذاری کامل نمی‌شود؛ زیرا هدف از ارزشیابی، ارائه بازخورد به خطمشی‌گذاران به‌منظور کمک به بهبود خطمشی‌ها برای دستیابی بهتر به اهداف تعیین شده است (حسنقلی‌پور، امیری و پورعزت، ۱۳۹۶). در ادامه به بررسی این مرحله مهم و معرفی مدل‌های استفاده‌شده در آن پرداخته می‌شود.

ارزشیابی خطمشی

ارزشیابی خطمشی، فراگردی به‌منظور سنجش پیامدها، اقدامات اجرایی و محتوای خطمشی است. این تعریف از ارزشیابی

1. Taylor
2. Jones
3. Dey

خطمشی در مطالعات برانسون، رویر و چریکو^۱ (۲۰۰۹) این گونه بیان شده است که ارزشیابی خطمشی سه مرحله محتوا، اجرا و پیامدهای خطمشی را دربردارد که منظور از ارزشیابی در سه مرحله یاد شده، پاسخ‌گویی به سؤال‌هایی از این قبیل است: آیا محتوای خطمشی به‌وضوح اهداف خطمشی را تبیین می‌کند؟ آیا خطمشی طبق برنامه همان طور که انتظار می‌رفت به اجرا درآمد؟ آیا خطمشی به نتایج و پیامدهای مورد انتظار انجامید؟ هر برنامه‌ای برای اطمینان از تطابق پیشرفت آن با اهداف باید ارزشیابی شود؛ زیرا ارزشیابی تهدیدها را به حداقل می‌رساند (جان و لرا^۲، ۲۰۱۲). از دید آلکین و کریستی^۳ (۲۰۱۲)، به‌طور کلی الگوهای ارائه‌شده برای ارزشیابی خطمشی، با توجه به تمرکز خاص و زاویه دید نظریه‌پرداز به سه دسته روش محور، ارزش محور و کاربردی طبقه‌بندی شده‌اند. واعظی، شریف‌زاده و محمدی (۱۳۹۴) بر مبنای این طبقه‌بندی به گونه‌شناسی الگوهای رایج در ارزشیابی خطمشی اشاره کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. گونه‌شناسی کوتاه الگوهای رایج ارزشیابی خطمشی عمومی

دسته	الگوها	ایده و تمرکز اصلی	روش
روش محور	هدف‌گرا	تعیین اهداف و بررسی میزان تحقق اهداف از پیش تعیین شده	مطالعات قیاسی (مقایسه با استانداردها، مقایسه با میانگین‌ها)
	حسابرسی نتایج	پیشگیری از اتلاف بودجه و گره‌زدن پرداخت‌ها به تأیید تحقق اهداف توسط نهادها	تعیین استانداردهای موفقیت - شکست، مدیریت نتیجه‌گرا، حسابرسی‌های رعایت رویه و عملکرد
	موارد موافق	کمک به مدیران با گردآوری اطلاعات ساده، سریع و کم‌هزینه درباره پیشرفت برنامه برای تجدیدنظر اندیشیده شده در خطمشی با تمرکز بر شناسایی و قیاس فعالیت‌های موفق به‌منظور شناسایی عوامل موفقیت	پیمایش کل مخاطبان برای پیدا کردن افراد موفق و ناموفق، مصاحبه ساختاریافته با مطلعان کلیدی
	آزمایشگاهی	رصد پیامدهای خطمشی مدنظر با تلاش برای رابطه علی میان یک خطمشی معین و اثر آن با تعریف گروه آزمایش و کنترل	مقایسه گروه کنترل و آزمایش قبل و بعد از اجرای خطمشی، مقایسه خط روند، مقایسه مخاطبان
	فرا تحلیل	رصد پیامدها و اثرهای خطمشی مدنظر با خلاصه‌سازی، تحلیل و ترکیب تحقیقات آزمایشگاهی به‌منظور افزایش روایی و پایایی	آزمون‌های آماری
	اطلاعات‌گرا	اجرای پیامدهای بهتر با تمرکز مدیران اجرایی بر فرایندها، طراحی یک پایگاه داده برای جمع‌آوری مستمر اطلاعات فعالیت‌های خطمشی برای پایش دقیق	نظام اطلاعات رایانه‌محور، تحلیل سیستمی، تحلیل مسیر بحرانی، سیستم بودجه‌ریزی عملیاتی
	هزینه‌مبنا	قضاوت درباره بهره‌وری خطمشی با مقایسه هزینه و فایده خطمشی	تحلیل‌های هزینه به ورودی، هزینه به اثربخشی، هزینه به فایده، هزینه به مطلوبیت
	نظریه‌مبنا	ارزیابی خطمشی بر مبنای یک نظریه	شناسایی یا تدوین نظریه پایه، روش‌های کمی و کیفی
	مورد پژوهی	توصیف مستند و موفق خطمشی برای ذی‌نفعان	تحلیل محتوای مستندات و مصنوعات، مشاهده مستقل و مصاحبه

1. Brownson, Royer & Chriqui
2. John & Lera
3. Alkin & Christie

ادامه جدول ۱

دسته	الگوها	ایده و تمرکز اصلی	روش
ارزش محور	خبره‌گرا	تأکید بر توصیف و تحلیل عمیق شایستگی خطمشی از خلال نظریات منتقدان خبره برای استفاده نظام‌مند از تجربه‌های گذشته و شهود خبرگان	نقد ارزیابی فنی تخصصی خبرگان
	محکمه‌ای	قضاوت درباره توفیق خطمشی بر مبنای نظر موافق و مخالف ضمن کسب اطمینان از ارائه شواهد متوازن درباره قوت‌ها و ضعف‌های خطمشی	انواع روش‌های کمی و کیفی توسط دو گروه ارزیاب موافق و مخالف
	مشتری‌گرا	تمرکز بر رفاه مصرف‌کننده خطمشی	ارزیابی فارغ از اهداف، چک‌لیست خدمات گیرندگان
	ذی‌نفع‌گرا	تأکید بر تعامل مستمر ذی‌نفعان و مجریان با ارزیاب برای کمک به ارزیاب در انجام ارزیابی از طریق فراهم کردن اطلاعات مفید قابل‌دسترس برای پاسخ به نیازهای متنوع مجریان و سایر ذی‌نفعان	اقدام پژوهی و سایر روش‌های کیفی نظیر مشاهده مشارکتی
دانش محور	ساختارگرا	قرار دادن ذی‌نفعان در مرکز ارزیابی، ضمن انکار وجود هرگونه واقعیت و استاندارد عینی و مشخص، تأکید بر اصالت فرایندهای اجتماعی در ارزیابی	روش‌های تحقیق کیفی با محور مذاکره، هرمنوتیک، دیالکتیک
	واقع‌گرا	اشکارسازی نظریه مستتر در هر خطمشی، ارزیابی ضمن توسعه و تکامل مفهومی خطمشی با تبیین شاخص‌ها و روابط بین آنها با توجه به بستر خطمشی	تدوین نظریه پایه معطوف به زمینه، شامل مدل منطقی و مدل اقدام
	تصمیم‌گرا	تمرکز ارزیابی بر تصمیمات به‌جای اهداف به‌منظور کمک به مجریان خطمشی با هدف تأمین اطلاعات و دانش ارزشمند برای مجریان، ضمن درگیر کردن آنها در ارزیابی‌ها برای تصمیم‌گیری	ایجاد هیئت مشورتی از همه اعضا مانند مجریان، سیاست‌گذاران، کارکنان، بهره‌وران...
	مشارکتی	کمک به ارتقا و پیشرفت برنامه از طریق آموزش، کنترل کیفی فعالیت‌ها و تسهیل تشریک مساعی برای مجموعه وسیع کاربران و گروه‌های ذی‌نفع، توسعه حلقه تصمیم‌گیرندگان خطمشی و حل مشکلات به‌صورت جمعی	تشکیل گروه منتخب (کاربران و ارزیابان مشارکتی) برای ارزیابی میزان اثرگذاری خطمشی
	مطلوبیت‌گرا	تأکید بر سودمندی نتایج برای گروه مدنظر و برآوردن نیاز کاربران با نگرش عمل‌گرایانه و مقیدنبودن به فلسفه و متدولوژی یا هدف اجتماعی خاص	تحلیل ذی‌نفعان، تشکیل کمیته نمایندگان، مجریان و ذی‌نفعان مؤثر در خطمشی‌گذاری

خطمشی‌گذاری فرهنگی

خطمشی‌گذاری فرهنگی در نگاه بین‌المللی، به‌معنای تعیین خطمشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی، یعنی همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی است که یونسکو نخستین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح کرد (حسین لی، ۱۳۷۹: ۲). بر مبنای مرجع‌دانستن ابزار توسعه فرهنگی، تفاوت دیدگاهی در جامعه دینی و غیردینی نمایان می‌شود؛ زیرا بر مبنای آنچه از فرهنگ در جامعه دینی تعریف شد، توسعه فرهنگی نیازمند همفکری و همکاری و هماهنگی در حرکت فرهنگی ملهم از آرمان‌ها و اعتقادات است، اما اختلاف در مبانی اعتقادی و ارزشی، سبب تعاریف گوناگونی از توسعه فرهنگی در قالب توجه به برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی می‌شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرجع رسمی و تصمیم‌گیرنده کلان فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، خطمشی‌گذاری فرهنگی را در واقع همان توافق نظر رسمی مسئولان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی معرفی می‌کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱) که در واقع این تعریف، در راستای هدف تعالی و توسعه فرهنگی مبتنی بر اصول و ارزش‌های جامعه دینی است. خطمشی‌گذاری فرهنگی همچون خطمشی‌گذاری در سایر بخش‌ها، با تأثیرپذیری از دو پارادایم اثبات‌گرایانه و تفسیری

شناخته شده است. پارادایم اثبات‌گرایانه به دنبال تأکید بر عینیت‌گرایی خام و شناخت عینی پدیده‌های فرهنگی برای خطمشی‌گذاران است. پارادایم تفسیری، خطمشی‌گذاری فرهنگی را مستقل از ذهن سیاست‌گذار و بافت تاریخی و فرهنگی خطمشی‌گذاری می‌داند و تمام مراحل خطمشی‌گذاری را تحت تأثیر تفاسیر مختلف قرار می‌دهد (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷). در بررسی و مطالعه عوامل مؤثر بر خطمشی‌گذاری فرهنگی، نقش و تأثیرگذاری دولت‌ها مبتنی بر دو دیدگاه در کانون توجه قرار دارد؛ نخست، دیدگاهی که با دخالت دولت در عرصه خطمشی‌گذاری فرهنگی مخالف است و به دیدگاه ارسطویی معروف است. ارسطو معتقد بود که مردمان گوناگون از راه‌ها و وسائل گوناگون در پی خیر و شادی می‌روند و از این رو به شیوه‌های گوناگون زیسته و در نتیجه حکومت‌های گوناگونی پدید می‌آورند. دیدگاه دوم که با عنوان دیدگاه افلاطونی شناخته می‌شود با دخالت دولت در عرصه خطمشی‌گذاری فرهنگی موافق است و طرفداران آن معتقدند که فرهنگ جامعه کنترل‌پذیر بوده و وظیفه مهار و هدایت آن به سوی مسیرهای از پیش تعیین شده بر عهده دانایان و عاقلان است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۷۵). دیدگاه موافق با نقش دولت در خطمشی‌گذاری فرهنگی، در دو سطح به این نوع دخالت توجه می‌کند؛ نخست سطحی که به طور عام به ارزش‌ها و اصول اخلاقی اطلاق می‌شود که به دنبال هدایت و راهنمایی انسان‌ها در مسائل فرهنگی است و در حقیقت این سیاست‌ها به اصول کلی درباره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ می‌پردازد. سطح دیگر که سطح خطمشی‌های فرهنگی نامیده می‌شود، تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست‌ها قرار می‌دهد و تصمیم‌ها و اقدام‌های آنان بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد (ذکایی، شفیعی و سادات، ۱۳۸۹).

خطمشی‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۱ تهیه شد و در ۱۳۷۱/۵/۲۱ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. مطابق این سند، سیاست فرهنگی، سیاست انقلاب اسلامی است و سیاست جمهوری اسلامی ایران، منبعث از جهان‌بینی اسلامی است. شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئولیت نظارت بر خطمشی‌گذاری و هدایت مدیریت فرهنگی کشور را نیز به خود اختصاص داده است و نهاد رسمی اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. نگاه تدوین‌کنندگان اصول سیاست‌های فرهنگی، نگاه از بالا به پایین و نگاه دولتی به تمام عرصه‌های فرهنگی کشور است؛ به طوری که ظهور و بازتعریف ارزش‌ها و مفاهیم دینی و شدت تأثیر آن بر جنبه‌های فرهنگی و تحولات ارزشی مفهوم خطمشی‌گذاری را پیش از پیش تحت تأثیر جنبه‌های ارزشی و ایدئولوژیکی قرار داده است. اسناد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از سال ۱۳۷۳ تاکنون در قالب برنامه‌های اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه در قسمت‌های مرتبط با حوزه فرهنگ، اهداف کمی و کیفی را در نظر گرفته است. در خطمشی‌ها و تحول‌های انجام گرفته طی قانون برنامه چهارم توسعه، به امور و وظایف دولت در تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی توجه شده است (رنجبر، دانش‌فرد و فقیهی، ۱۳۹۶). این مسئله در حالی است که با نگاه به این اسناد، جایگاه و نقش دولت در اصول سیاست‌های فرهنگی از جایگاه انحصاری و مداخله‌گرایانه مطلق به جایگاه حمایتی تغییر یافته است (مقتدایی و ازغندی، ۱۳۹۵). قسمت‌های مرتبط با فرهنگ در سند چشم‌انداز

توسعه ۱۴۰۴ ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۱ و دو سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، از جمله اسناد مهم و کلان فرهنگی در سال‌های اخیر به‌شمار می‌آید. سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱ به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌عنوان برجسته‌ترین و جامع‌ترین سند فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که با همکاری و مشارکت فعال و همه‌جانبه مراکز علمی پژوهشی، محققان و اندیشمندان و دانشمندان حوزه و دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی تهیه و تنظیم شد، به‌عنوان سند ترسیم‌کننده وضعیت مطلوب فرهنگی، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲).

پیشینه تجربی پژوهش

آنچه در مرور ادبیات نظری و پیشینه تجربی تحقیقات صورت گرفته در حوزه خطمشی‌گذاری فرهنگی مشاهده می‌شود، گویای این واقعیت است که خطمشی‌گذاری فرهنگی در جامعه دینی به‌دنبال تلاش برای تحقق اهداف و تعالیم اسلامی در جامعه است. هاینس^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی به نقش معیارهای اخلاق و آموزه‌های دینی و اعتقادی در تحقق خطمشی‌گذاری اشاره می‌کند که این اثر به خطمشی‌گذاری مطلوب منجر می‌شود؛ اما نکته شایان توجه در اینجا، همان تفاوت مبانی اعتقادی و آموزه‌های دینی و ارزشی دو جامعه اسلامی و غربی است. مبانی اسلامی به پیوند حیات مادی و معنوی انسان توجه دارد، در حالی که نگاه به آموزه‌های دینی موجود در فرهنگ غرب، از ناستواری لازم در پرداختن به جنبه‌های معنوی انسان در هر تصمیم‌گیری حکایت می‌کند؛ به‌طوری که برخی از ارزش‌ها ممکن است رویکرد و ثمره الهی نداشته باشد، بلکه ارزش‌ها و اعتقادات بر مبنای پذیرش انسانی در جامعه غربی شکل گیرد. باید توجه کرد که با وجود اشتراکات و تعاملات بین فرهنگ‌های مختلف، فرهنگ هر جامعه مستقل است و سازوکارهای یکتایی دارد (اسکولون^۲، ۲۰۰۱). با اینکه در برخی تحقیقات بر اولویت‌بندی مراحل فرایند خطمشی‌گذاری و لزوم پیگیری و درمان مشکلات فرهنگی و همچنین پیشگیری از بروز مشکلات فرهنگی و پیش‌برندگی جامعه به‌سمت تعالی تأکید شده است، آسیب‌ها و مشکلات در فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی که از نتایج برخی از پژوهش‌ها نمایان است، این واقعیت را نشان می‌دهد که پژوهشی در زمینه ارائه الگوی ارزشیابی خطمشی‌گذاری فرهنگی دیده نشده است؛ زیرا وجود الگوی ارزشیابی خطمشی‌گذاری، زمینه بروز آسیب‌ها و مشکلات خطمشی‌گذاری فرهنگی را مسدود کرده و در صورت پذیرش الگوی بومی خطمشی‌گذاری، ضرورت بهره‌مندی از الگو برای ارزشیابی خطمشی در بخش فرهنگ، بیشتر خودنمایی می‌کند که مسئله به نوعی خلأ پژوهشی در حوزه خطمشی‌گذاری فرهنگی به‌شمار می‌رود. این موضوع ضمن توجه و پرداختن به فرایند خطمشی‌گذاری، اهمیت ارزشیابی هر مرحله مبتنی بر ارائه الگوی مطلوب برگرفته از معیارها و مؤلفه‌های ارزشی و هنجاری جامعه دینی ایران اسلامی را برای اثرگذاری سازنده در هر مرحله به‌معنای پیشگیری و درمان آسیب‌ها و مشکلات، مشخص می‌کند.

1. Haynes
2. Scollon

جدول ۲. تحقیقات و پژوهش‌های اخیر مرتبط با حوزه خطمشی گذاری فرهنگی

عنوان پژوهش	محققان و سال انتشار	عنوان پژوهش	روش تحقیق	فایده تحقیق	روش تحقیق	نتیجه و دستاورد
بررسی و تحلیل گام‌های نظام خطمشی گذاری فرهنگی در انقلاب اسلامی ایران	کمیلی فرد، طهماسبی بلوک آباد و حمزه پور (۱۳۹۶)	رویکرد کمی و کیفی	تجزیه و تحلیل عملکرد (IPA)	تجزیه و تحلیل عمکرد	تجزیه و تحلیل عمکرد (IPA)	بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل فرایند خطمشی گذاری نظام خطمشی گذاری فرهنگی، اولویت بندی بهبود فرایند خطمشی گذاری به این صورت است: ۱. مرحله شناخت و درک مشکل؛ ۲. مرحله ارزشیابی خطمشی؛ ۳. مرحله اجرای خطمشی.
سازوکارهای تأثیر گذاری دین در فرایند سیاست گذاری فرهنگی (با تأکید بر مرحله تدوین)	باقری فرد، توکلی و الوانی (۱۳۹۵)	رویکرد کیفی توصیفی تحلیلی	تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای	تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای	تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای	سه عنصر الگوی خطمشی گذاری فرهنگی (مرحله تدوین) مبتنی بر آموزه‌های اسلامی عبارتند از: ۱. پیگیری، درمان و رفع مضامین فرهنگی جامعه؛ ۲. پیشگیری از بروز مشکلات فرهنگی و پیش‌برندگی جامعه به سمت تعالی؛ ۳. تمرکز بر حل مسائل به‌جای منحل کردن آنها.
مدل تجزیه و تحلیل خطمشی عمومی در ایران	اسدی فرد، فانی، آذر و الوانی (۱۳۹۵)	رویکرد کیفی	روش تئوری داده‌بنیاد چندگانه	روش تئوری داده‌بنیاد چندگانه	روش تئوری داده‌بنیاد چندگانه	نتایج بیان می‌کند که مدل طراحی شده شامل سه بعد اصلی «تجزیه و تحلیل تدوین»، «تجزیه و تحلیل اجرا» و «تجزیه و تحلیل ارزیابی» است که هر یک از این ابعاد، اجزا و عناصر تشکیل دهنده تجزیه و تحلیل خطمشی عمومی را نشان می‌دهد.
سیاست و فرهنگ / شاخص‌های سیاست گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)	افتخاری و بابا خانی (۱۳۹۵)	رویکرد کیفی	تحلیل محتوا	تحلیل محتوا	تحلیل محتوا	در این پژوهش اصول حاکم بر سیاست گذاری فرهنگی در جامعه ایران با تحلیل محتوای بیان امام خمینی (ره) ارائه شده است. نتایج عبارتند از: ۱. تلاش در جهت تحقق اهداف جامعه اسلامی در کل عالم؛ ۲. تلاش برای برداشتن موانع تحقق فرهنگ اسلام ناب در کل عالم.
شناسایی و اولویت بندی الگوهای ارزیابی خطمشی عمومی	واعظی، شریف زاده و محمدی (۱۳۹۴)	رویکرد کمی و کیفی	روش دلفی در جمع آوری داده‌ها و استفاده از تکنیک تاپسیس برای برداش	روش دلفی در جمع آوری داده‌ها و استفاده از تکنیک تاپسیس برای برداش	روش دلفی در جمع آوری داده‌ها و استفاده از تکنیک تاپسیس برای برداش	نتایج پژوهش بر مبنای تبیین دقیق مسئله دولت و فرهنگ، به یک راهبرد دولتی در سیاست گذاری فرهنگی اشاره دارد؛ دولت نباید فرهنگ جامعه را تغییر دهد، حتی به اجبار. اما دولت اسلامی می‌تواند شیپ اجتماعی را طوری قرار دهد که سوق به تعالی تسهیل شده و ممل به بدی سخت شود.
سیاست گذاری فرهنگی در دولت دینی	باقری فرد، توکلی و الوانی (۱۳۹۴)	رویکرد کیفی	گنتمان تحلیلی	گنتمان تحلیلی	گنتمان تحلیلی	نتایج این پژوهش نشان داد که در حوزه سیاست گذاری فرهنگی مشکلات عدیده‌ای در بخش های مربوط به مطالعات شکل گیری و اجرا و ارزیابی وجود دارد که راهکارهای پیشنهادی عبارتند از: ۱. مشارکت مردم در سیاست گذاری فرهنگی؛ ۲. نقش هدایت‌گری و تشویقی دولت در امور فرهنگی؛ ۳. جلوگیری از موازی کاری و تداخل در وظائف؛ ۴. همکاری بین‌المللی در عرصه سیاست گذاری فرهنگی.
آسیب شناسی سیاست گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران	مقتدائی و ازغندی (۱۳۹۴)	رویکرد کیفی توصیفی تحلیلی	تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای	تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای	تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای	آسیب‌های سیاست‌ها و سیاست گذاری‌های فرهنگی در مرحله تدوین عبارتند از: ۱. آسیب‌های نظری و مطالعاتی؛ ۲. آسیب‌های مسئله‌شناسی؛ ۳. آسیب‌های نگزینی؛ ۴. آسیب‌های یاد شده در مرحله اجرا عبارتند از: ۱. آسیب‌های مجریان سیاست‌ها؛ ۲. آسیب‌های زیرساخت‌های معیوب.
بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی	مشکی و خادمی (۱۳۹۱)	رویکرد کیفی	روش فراتحلیل	روش فراتحلیل	روش فراتحلیل	آسیب‌های یاد شده در مرحله ارزیابی عبارتند از: ۱. نبود نظام ارزیابی؛ ۲. نبود سازوکار کنترل و نظارت؛ ۳. اجرا نداشتن دقیق ارزیابی؛ ۴. ضعف در نظارت مستقل

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش رو در حوزه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و ماهیت آن، از نوع پژوهش‌های اکتشافی است که به دنبال دستیابی به شاخص‌های مطلوبیت در هر مرحله از فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی، به منظور ترسیم وضعیت مطلوب برای ارزشیابی وضعیت موجود است. گردآوری داده‌ها، از طریق مطالعه اسناد بالادستی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است که این اسناد عبارت‌اند از: نقشه مهندسی فرهنگی کشور مشتمل بر ۱۲۰ صفحه و در قالب هفت فصل؛ سند فرهنگی اسلامی شدن دانشگاه‌ها مشتمل بر ۴۰ صفحه و در قالب ۹ فصل و فصل مرتبط با موضوع فرهنگ در سند چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴. با استفاده از روش تحلیل مضمون شاخص‌های مطلوبیت در هر مرحله از فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی تدوین و ترسیم شده است. از آنجا که این اسناد محصول یکپارچه نگاه سیاست‌گذاران و خطمشی‌گذاران کشور است و به عنوان سیاست‌های کلی حاکم بر جریان خطمشی‌گذاری فرهنگی در کشور باید در کانون توجه قرار گیرد، برای بررسی انتخاب شدند. در این پژوهش و در چارچوب مراحل مدل فرایندی خطمشی‌گذاری عمومی، به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر هستیم:

سؤال اصلی: الگوی مطلوب ارزشیابی فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران چه

شاخص‌هایی دارد؟

سؤال فرعی ۱. شاخص‌های مطلوب ارزشیابی در مسئله شناسی کدام‌اند؟

سؤال فرعی ۲. شاخص‌های مطلوب ارزشیابی در مرحله تهیه و تدوین راه‌حل‌ها کدام‌اند؟

سؤال فرعی ۳. شاخص‌های مطلوب ارزشیابی در مرحله قانونی کردن و مشروعیت‌بخشیدن به خطمشی‌های فرهنگی

کدام‌اند؟

سؤال فرعی ۴. شاخص‌های مطلوب ارزشیابی در مرحله اجرای خطمشی‌های فرهنگی کدام‌اند؟

سؤال فرعی ۵. شاخص‌های مطلوب ارزشیابی در مرحله ارزیابی خطمشی‌های فرهنگی کدام‌اند؟

شیوه تحلیل داده‌ها

از روش‌های کارآمد تحلیل کیفی، روش تحلیل مضمون است. مضمون، الگویی از معانی است که در داده‌های کیفی قابل اکتشاف، تعریف شده است. بر این اساس، تحلیل مضمون روش مناسبی برای فراهم کردن مهارت‌های شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (هلوی و تدرس^۱، ۲۰۰۳). فرایند تحلیل مضمون از جایی آغاز می‌شود که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد و نقطه پایان این فرایند زمانی است که گزارشی از محتوا، الگوها و مضامین داده‌ها تهیه شود (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). در میان تکنیک‌های روش تحلیل مضمون، شبکه مضامین تکنیک بسیار مناسبی است که نقشه‌ای شبیه تارنما ارائه می‌دهد و در آن، مضامین پایه (کدها و

1. Holloway & Todres

2. Braun & Clarke

نکته‌های کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت شبکه تارنما رسم شده و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. فرایند گام‌به‌گام روش تحلیل مضمون با استفاده از تکنیک شبکه مضامین در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
تجزیه و توصیف متن	آشنا شدن با متن	<ul style="list-style-type: none"> • مکتوب کردن داده‌ها • مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها • نوشتن ایده‌های اولیه
	ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	<ul style="list-style-type: none"> • پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین • تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر • کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
تشریح و تفسیر متن	جست‌وجو و شناخت مضامین	<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق کدها با قالب مضامین • استخراج مضامین از بخش‌های کد گذاشته شده متن • پالایش و بازبینی مضامین
	ترسیم شبکه مضامین	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی و کنترل هم‌خوانی مضامین با کدهای مستخرج • مرتب کردن مضامین • انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر • ترسیم نقشه‌های مضامین • اصلاح و تأیید شبکه‌های مضامین
ترکیب و ادغام	تحلیل شبکه مضامین	<ul style="list-style-type: none"> • تعریف و نام‌گذاری مضامین • توصیف و توضیح شبکه مضامین
	تدوین گزارش	<ul style="list-style-type: none"> • تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن • استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها • مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤال‌های تحقیق و مبنای نظری • نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

منبع: عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده (۱۳۹۰)

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر الگوی خط‌مشی‌گذاری فرایندی مدنظر قرار گرفته است، مضامین یا الگوهای داده‌ها مبتنی بر روش قیاسی شناخته شده‌اند؛ زیرا روش قیاسی، مضمون را بر اساس علاقه نظری یا تحلیلی پژوهشگر به موضوع، تحلیل می‌کند؛ کدها بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌شوند؛ علائم، شاخص‌ها و شواهد که با نظریه حمایت می‌شوند، شناسایی و کدگذاری شده و کدهای مرتبط با هر مؤلفه نظریه، استخراج می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

اعتبار یافته‌های پژوهش

در روش‌شناسی پژوهش‌های کیفی، به‌جای استفاده از واژه‌های روایی و پایایی، از معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد

برای ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج استفاده می‌شود (تینینگ^۱، ۲۰۰۰: ۱۰). به‌طور کلی پژوهش کیفی باید قابل اعتماد باشد تا بتواند دقت در فرایند و تناسب در محصول نهایی را نشان دهد. گوبا و لینکلن^۲ (۱۹۸۵)، چهار معیار را برای بررسی میزان اعتبارپذیری پژوهش کیفی مطرح می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱. قابل قبول بودن که بر معقول بودن و معنا داشتن یافته‌ها تأکید دارد؛ ۲. انتقال‌پذیری که برای کاربردپذیری یافته‌ها در محیط دیگر استفاده می‌شود؛ ۳. قابلیت اطمینان که امکان موشکافی و بازبینی سایر پژوهشگران را فراهم می‌کند؛ ۴. تأییدپذیری که رسیدگی و بازرسی را ابزاری برای اثبات کیفیت مدنظر قرار می‌دهد (صدوقی، ۱۳۸۷). جدول ۴، اعتبارپذیری این پژوهش را بر مبنای معیارهای بیان‌شده، نشان می‌دهد.

جدول ۴. اعتبارپذیری پژوهش

معیار ارزیابی	شرح اقدام
قابل قبول بودن	<ul style="list-style-type: none"> پژوهشگران ۴ ماه به مطالعه اسناد منتخب پرداختند. طی پژوهش، پیوسته تعامل رفت و برگشتی بین داده‌ها و تحلیل از سوی پژوهشگر و گروه خبرگان که از دانش کافی درباره ابعاد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش برخوردار بودند، صورت پذیرفت. هم‌زمان از دو کدگذار برای کدگذاری بهره برده شده است.
انتقال‌پذیری	<ul style="list-style-type: none"> اسناد مطالعه‌شده در پژوهش، دارای بهترین دانش و داده در حوزه خطمشی‌گذاری فرهنگی بودند. درباره یافته‌های پژوهش با چند فعال فرهنگی در بخش‌های گوناگون از جمله حوزه و دانشگاه، مشورت شد.
قابلیت اطمینان	<ul style="list-style-type: none"> همه مراحل، جزئیات پژوهش و یادداشت‌های حاصل از مطالعه اسناد مربوطه، ثبت و ضبط شده است.
تأییدپذیری	<ul style="list-style-type: none"> علاوه بر ثبت و ضبط دقیق جزئیات در تمام مراحل، انسجام داخلی و درونی نتایج نیز سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست از فرایند تحلیل مضمون که به کدگذاری توصیفی نیز شناخته می‌شود، از مجموع اسناد فرهنگی در دست مطالعه، ۱۵۹ کد توصیفی مرتبط با مراحل فرایند خطمشی‌گذاری استخراج شد. در مرحله کدگذاری تفسیری با مقایسه مستمر مقوله‌های شکل گرفته، ۳۱ مضمون تفسیری به وجود آمد. در مرحله سوم، مضامین شکل گرفته در قالب شبکه مضامین با یکدیگر مرتبط شدند و مؤلفه‌های مطلوبیت در هر مرحله از فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی استخراج شد. برای نمونه، شیوه دستیابی به مضامین از متن اسناد در مرحله شناخت و درک مسئله به‌صورت زیر بود:

- در گام تجربه و توصیف داده، پس از بازخوانی‌های مکرر داده‌ها، کدهای اولیه‌ای به‌صورت دستی یادداشت شد.
- خلاصه و چکیده کدهای مستخرج تنظیم و دسته‌بندی شدند و در قالب کدهای گزینشی قرار گرفتند. پس از تحلیل کدها، مضمون‌های پایه بر مبنای کدهای گزینشی انتخاب شد. برای نمونه، از بین کدهای گزینشی، کدهایی که مفاهیم و مضامین مرتبط با خداشناسی و توحیدمحوری داشتند، با عنوان تقویت و باور به خدا در

1. Twining

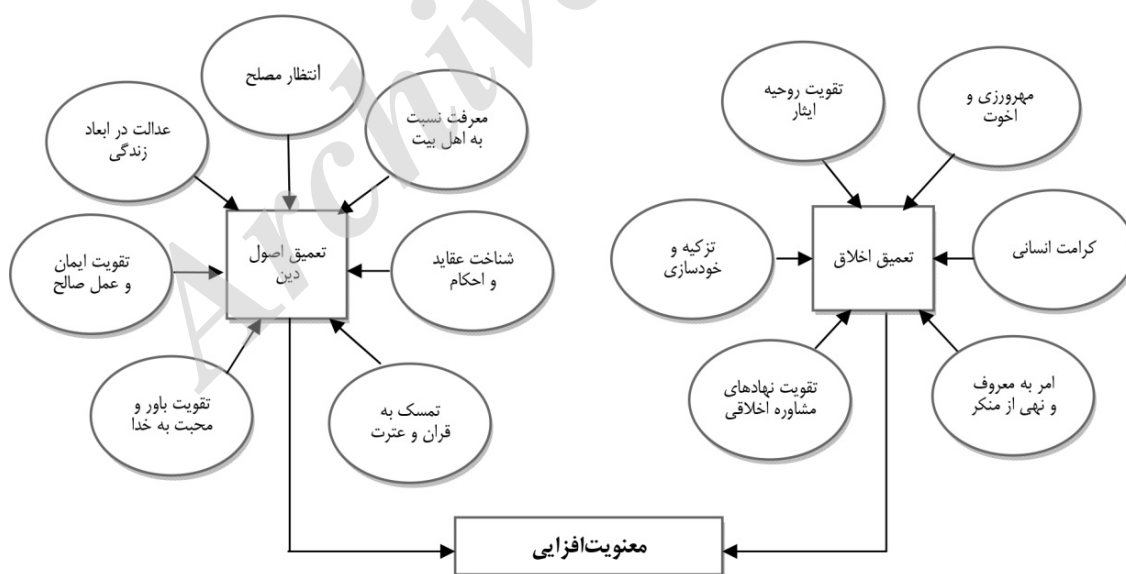
2. Guba & Lincoln

مجموعه مشترک یا مضمون پایه قرار گرفتند. بر همین مبنا، مضامین پایه دیگری نام گذاری شد که عبارت‌اند از: شناخت عقاید و احکام، معرفت نسبت به اهل بیت، تقویت ایمان و عمل صالح، تمسک به قرآن و عترت، عدالت در زندگی و انتظار مصلح، تزکیه و خودسازی، تقویت روحیه ایثار، اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، توجه به کرامت انسانی، مهرورزی و اخوت و تقویت نهادهای مشاوره.

۳. پس از بررسی و کنترل همخوانی مضامین پایه با کدهای استخراج شده و مرتب کردن آنها، مضمون‌های سازمان‌دهنده‌ای انتخاب شد که دربردارنده مضامین پایه باشند. بدین ترتیب، مضمون‌های تقویت و باور به خدا، شناخت عقاید و احکام، معرفت به اهل بیت، تقویت ایمان و عمل صالح، تمسک به قرآن و عترت، عدالت در زندگی و انتظار مصلح با مضمون سازمان‌دهنده‌ای به نام تعمیق اصول دین در یک مجموعه قرار گرفتند و مضامین پایه دیگری از قبیل تزکیه و خودسازی، تقویت روحیه ایثار، اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، توجه به کرامت انسانی، مهرورزی و اخوت و تقویت نهادهای مشاوره، در مضمونی به نام تعمیق اخلاقیات معرفی شدند.

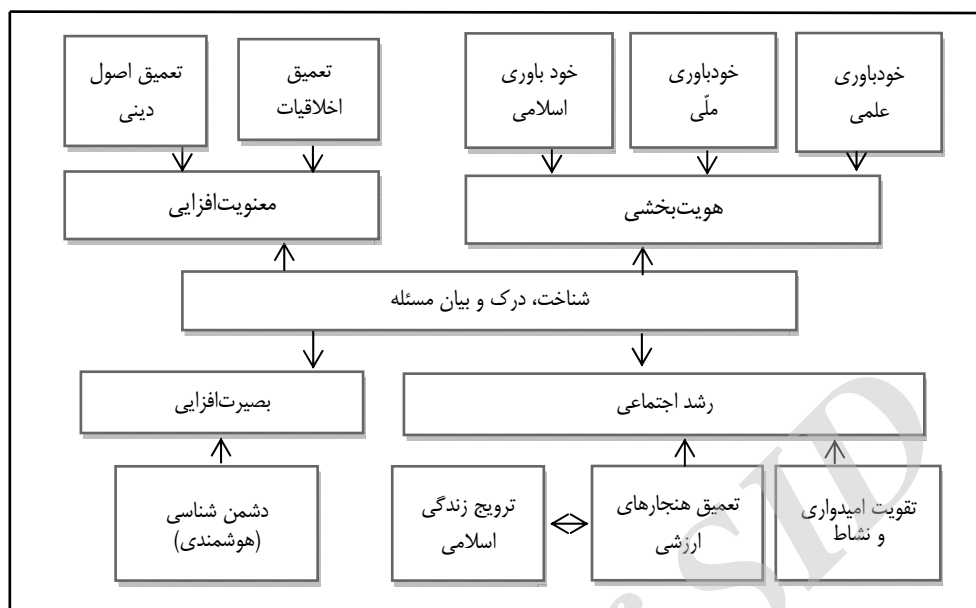
۴. در ادامه، مضمون فراگیری با عنوان معنویت‌افزایی مشخص شد که دربردارنده هر دو مضمون سازمان‌دهنده بود و ماهیت چیزی را نشان می‌داد که مضمون‌های فراگیر درباره آن بحث می‌کردند.

۵. در انتها، به منظور ارائه گزارش، شبکه مضامین تهیه و تدوین شد.



شکل ۱. شبکه مضامین معنویت‌افزایی به عنوان شاخصه مطلوب در مرحله (شناخت و درک مسئله)

در ادامه، یافته‌های پژوهش (شاخص‌های مطلوبیت) در هر مرحله از فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، جداگانه بررسی شده است.



شکل ۲. شاخص‌های مطلوبیت در مرحله شناخت، درک و بیان مسئله

از آسیب‌های مهم در نظام خطمشی‌گذاری فرهنگی که موجب شده است سیاست‌های فرهنگی اثربخش نباشد، ضعف شناخت و تعریف مسائل فرهنگی جامعه و در نتیجه، وضع نشدن سیاست‌ها بر اساس نیاز واقعی جامعه است (شریف‌زاده، الوانی، رضایی منش و مختاریان‌پور، ۱۳۹۲). جامعه ایران ماهیت دینی دارد و بی‌توجهی به نیاز مردم که بر پایه نیاز فطری و دینی است، موجب می‌شود پاسخی از نظام فرهنگی دریافت نشود و رفته‌رفته این نیاز کاهش یابد. مطلوبیت مدنظر در مرحله شناخت و درک مسائل فرهنگی در جامعه دینی ایران، بر پایه توجه و درک دغدغه‌های اساسی قرار دارد که ناظر بر ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، محصولات و نمادهای فرهنگی کشور در سطوح ملی (اسلامی - ایرانی)، عمومی و حرفه‌ای است.^۱ از این دیدگاه و با توجه به رویکرد تعیین اهداف در خطمشی‌گذاری فرهنگی یک جامعه دینی، مطلوبیت مدنظر در مرحله شناخت و درک مسائل بر اساس یافته‌های پژوهش، نشان‌دهنده درک و شناخت مسائلی از قبیل معنویت‌افزایی، رشد اجتماعی، هویت‌بخشی و بصیرت‌افزایی است.

معنویت‌افزایی: یکی از شاخص‌های مطلوب در مرحله شناخت و درک مسئله، معنویت‌افزایی است؛ یعنی باید توجه به مسائلی که موجب می‌شود معنویت در جامعه افزایش یابد، در قالب هدف تعیینی در خطمشی‌گذاری فرهنگی بررسی شود. از جمله برنامه‌هایی که توجه به آنها به گسترش معنویت در جامعه منجر می‌شود، برگزیدن خطمشی‌هایی است که رویکرد اصلی و هدف نهایی آنها موجب تعمیق اصول دینی و اخلاقیات می‌شود؛ مباحثی همچون نگاه به جهان به‌عنوان مجموعه واحد و به‌هم پیوسته با درک حضور باری تعالی و تعمیق معرفت و محبت خدا در باورها و ارزش‌ها که جهت‌دهنده همه عرصه‌های زندگی به سوی حیات جاودانه است.^۲ تعمیق و نهادینه‌سازی معارف و آموزه‌های اسلامی و

۱. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۴۲

۲. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۲۶

توجه به فرهنگ امامت؛ ولایت و انتظار در تمام ابعاد؛ ارتقای فرهنگ قرآن و عترت به منظور انس با قرآن و تفکر در آیات الهی و معارف اهل بیت (ع)؛^۲ سالم‌سازی فضای فرهنگی به‌منظور رشد آگاهی و تقویت فضائل اخلاقی و ایمانی،^۳ از نشانه‌های تعمیق معنویت در جامعه است.

هویت‌بخشی: یکی از مضامین اصلی و فراگیری که در مرحله شناخت و درک مسئله شاخص مطلوب شناسایی شد، هویت‌بخشی است. هویت‌بخشی در جامعه به‌معنای تقویت خودباوری در سه عرصه دینی، ملی و علمی بوده و زیربنای حرکت شتابان ملت در راه دستیابی به اهداف و پیشرفت است. هویت علمی به‌معنای افزایش خودباوری علمی و رهایی از وابستگی علمی و تولید و توسعه علم نافع، کارآمد و بومی برای تأمین آرمان‌های نظام به‌منظور پیشرفت و خودکفایی علمی و تولید دانش و فرهنگ تمدنی با رویکرد اسلامی و آینده‌پژوهانه است.^۴ هویت دینی و ملی نیز، عمق بخشیدن به سرمایه‌های فرهنگی و معنوی تمدن اسلامی ایرانی، بازتعریف عناصر فرهنگ ملی^۵ و توسعه و حمایت از آفرینش آثار، محصولات فرهنگی و صنایع هنری بومی و ملی، برای تبیین و ترویج ارزش‌های اسلامی ایرانی تعریف شده است.

رشد اجتماعی: از مهم‌ترین مسائل فرهنگی که توجه و تمرکز بر آن نقش مهمی در توسعه و پایداری ارزش‌های فرهنگی جامعه دارد، موضوع رشد اجتماعی است. رشد اجتماعی با عمق بخشیدن به هنجارهای ارزشی و گسترش نشاط و امیدواری به آینده تحقق می‌یابد. راه‌های شکل‌گیری رشد اجتماعی عبارت‌اند از: ترویج سبک زندگی اسلامی و برنامه‌ریزی برای تقویت مبانی آن، از طریق شناخت نظام ارتباطی و آداب معاشرت اسلامی؛ توانایی تعامل و رفتار بر اساس آموزه‌های دینی؛^۶ توسعه قابلیت‌های اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی و گروهی از قبیل احترام به نظام اجتماعی، تقویت جمع‌گرایی، ایجاد نشاط اجتماعی؛ تقویت روحیه امیدواری به‌عنوان ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی.^۷

بصیرت‌افزایی: شاخص مطلوبی برای آگاهی و هوشمندی جامعه به‌منظور شناخت دشمنان و آمادگی در برابر توطئه‌های آنان در میدان فرهنگی است. این شاخص از دسته مسائل فرهنگی بسیار برجسته برای مقابله و مدیریت حمله‌های فرهنگی دشمنان است. بصیرت‌افزایی با استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل و برنامه‌ریزی برای ارتقای خودآگاهی فرهنگی،^۸ تمدنی و زمانه‌شناسی و بصیرت دینی در مقابله با انحراف‌ها و قدرت تشخیص در مواجهه با جنگ نرم، امکان‌پذیر می‌شود.

۱. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ص. ۳ و ۶

۲. همان، ص. ۱۷

۳. سند چشم‌انداز توسعه، ص. ۱۲

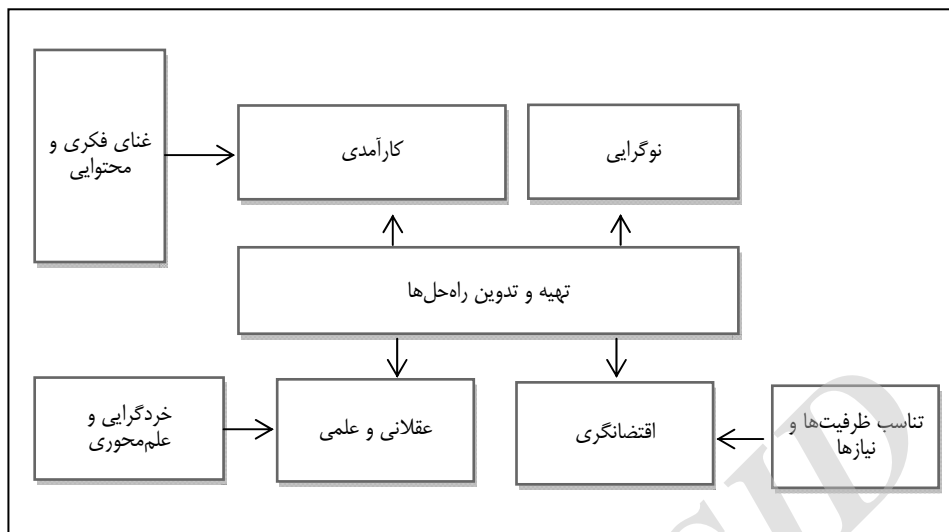
۴. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ص. ۴

۵. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۱۱۴

۶. همان، ص. ۲۸

۷. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ص. ۱۲

۸. سند چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴، ص. ۸



شکل ۳. شاخص‌های مطلوبیت در مرحله طرح مسئله و تهیه و تدوین راه‌حل‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش در مرحله تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، چهار شاخص مطلوبیت با مفاهیم کارآمدی، نوگرایی، اقتضانگری و عقلانی - علمی بودن راه‌حل‌ها به دست آمد.

کارآمدی: یکی از شاخص‌های مطلوبیت در مرحله تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، کارآمدی است. کارآمدی یعنی راه‌حل‌ها دارای دو ویژگی مهم غنای فکری و غنای محتوایی باشند. غنابخشی فکری و محتوایی مجالس شعائر^۱ و روزآمدسازی محتوای برنامه‌ها، می‌تواند دلیلی برای کارآمد جلوه‌دادن فعالیت‌های فرهنگی باشد.

نوگرایی: یکی دیگر از شاخص‌های مطلوبیت در مرحله تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، نوگرایی است. نوگرایی در خطمشی‌های فرهنگی به معنای بازتعریف عناصر فرهنگ ملی در قالب نو و جذاب و پرهیز از رویکردهای سطحی و تبلیغاتی^۲ طراحی و استقرار نظام ملی نوآوری فرهنگی از طریق حمایت از مراکز ایده‌پردازی، تحقیق توسعه سازمان‌ها و نهادهای تولیدی علم و فناوری فعال در ارائه محصولات فرهنگی^۳ است.

اقتضانگری: شاخص اقتضانگری در ارائه راه‌حل‌های فرهنگی، به معنای لزوم توجه به تناسب ظرفیت‌ها، استعدادها و نیازها برای سطوح مختلف مخاطبان فرهنگی است. به بیان دیگر، متناسب‌سازی برنامه‌ها و خطمشی‌های فرهنگی ضروری است. برای نمونه، در نقشه مهندسی فرهنگی کشور در خصوص پذیرش عقلایی معارف دینی اشاره می‌شود که ترویج اصول دین به‌ویژه معادباوری و روشنگری در زمینه حکمت احکام و تبیین روح تعبد در عمل به آن، باید متناسب با مخاطبان^۴ صورت پذیرد.

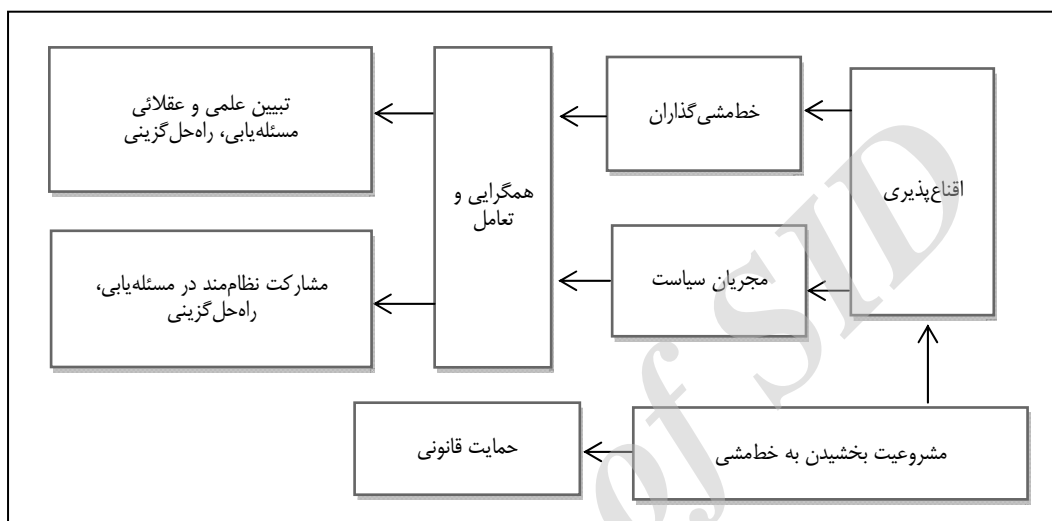
۱. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۵۰.

۲. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۱۱۴.

۳. همان، ص. ۹۳.

۴. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۵۰.

عقلانی و علمی: شاخص مطلوبیت مهم دیگر در این مرحله دانستن این است که راه‌حل‌های ارائه‌شده، پشتوانه علمی و خردگرایی دارند یا خیر. در واقع این شاخص به نقش تضارب فکری در تعیین و انتخاب راه‌حل‌ها در کنار تبیین علمی و دقیق راه‌حل‌ها، اشاره دارد.



شکل ۴. مؤلفه‌های مطلوبیت در مرحله مشروعیت بخشیدن به خطمشی

یافته‌های پژوهش در مرحله مشروعیت‌دهی، به معرفی شاخص‌های مطلوبی از قبیل، اقتناع‌پذیری و حمایت قانونی از خطمشی‌های فرهنگی منجر شد.

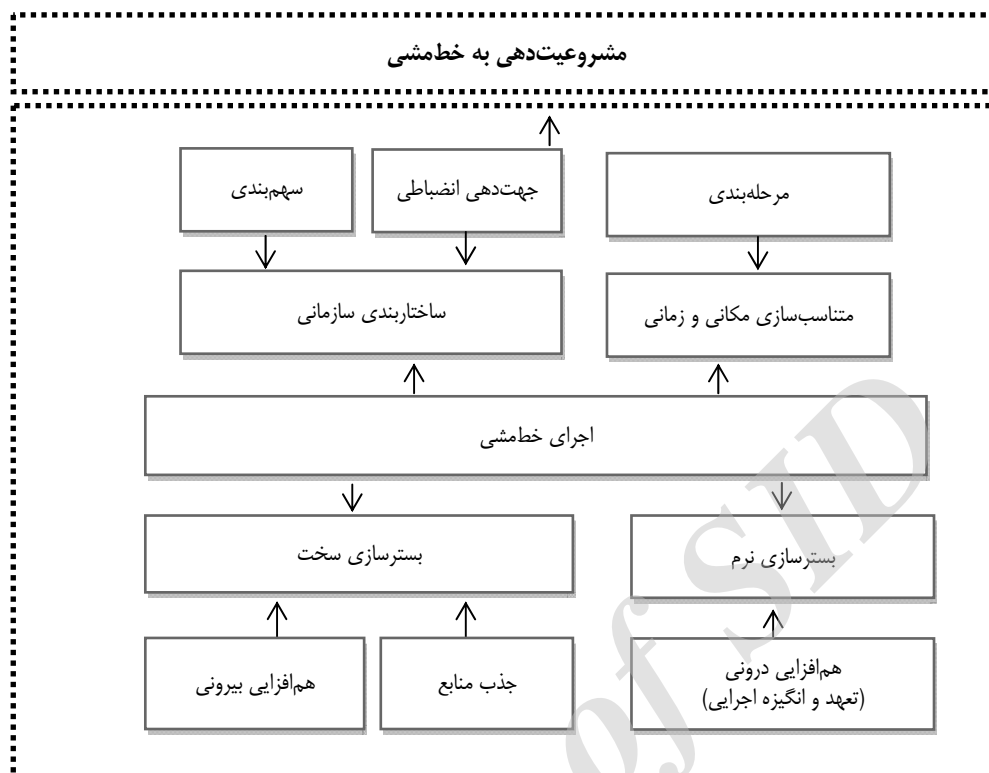
اقتناع‌پذیری: اقتناع‌پذیری به معنای قانع‌شدن تصمیم‌گیرندگان، خطمشی‌گذاران و مجریان سیاست‌های فرهنگی از طریق میزان توجه به همگرایی و تعامل (با وجود اختلاف سلیقه، دیدگاه‌های متنوع فرهنگی و میزان مشارکت نظام‌مند مجریان فرهنگی) و بهره‌مندی از نظرهای کارشناسی آنان در دو مرحله شناخت و درک مشکل و تدوین و تهیه راه‌حل است. همگرایی و تعامل از طریق تقویت فضای تضارب‌آرا و هم‌اندیشی آزاد، به‌ویژه تعامل فکری نخبگان و اندیشه‌ورزان با تأکید بر کرسی‌های آزاداندیشی^۲، شکل می‌گیرد.

حمایت قانونی: با وجود اقتناع‌پذیری کامل، در صورتی که حمایت قانونی نباشد، خلأ بزرگی در اجرای سیاست‌ها ایجاد می‌شود و فرصتی به‌وجود می‌آید تا از اجرای سیاست‌ها جلوگیری شود. بر این مبنا، لزوم توجه به سازوکارهای حمایتی در جهت ضمانت‌های لازم برای هماهنگ‌سازی و اجرای مصوبات فرهنگی ضروری است.^۳

۱. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ص. ۸

۲. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۵۲

۳. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۷۵



شکل ۵. شاخص‌های مطلوبیت در مرحله اجرای خطمشی

یافته‌های پژوهش در مرحله اجرای خطمشی، به شناسایی پنج شاخص مطلوبیت متناسب‌سازی مکانی و زمانی، ساختاربندی، بسترسازی نرم و بسترسازی سخت و موفقیت در مشروعیت‌دهی منجر شد.

متناسب‌سازی مکانی و زمانی: اجرای خطمشی مستلزم این است که مشخص شود از نظر زمانی موقعیت مناسبی برای اجرا مهیاست یا خیر. متناسب‌سازی مکانی برای مجری سیاست‌ها، گویای این است که آیا مجری سیاست از ظرفیت اجرا، استعداد و امکانات لازم برای اجرا برخوردار است؟ برای بررسی این شاخص، باید به مرحله‌بندی اجرای خطمشی‌ها بر مبنای رعایت شرایط زمانی و مکانی توجه کرد. در نقشه مهندسی فرهنگی بر این امر توجه شده است که ارزش‌های مطلوب فرهنگی باید بر اساس اهداف مرحله‌ای و با توجه به اقتضات و شرایط زمانی و مکانی در فرایندی هدفمند تحقق یابد.^۱

ساختاربندی: شاخص مطلوبیت ساختاربندی و سازماندهی سازمانی بر دو اصل مهم تأکید دارد: ۱. وظیفه‌مندی به معنای وظیفه‌مند کردن نهادهای مسئول در پیشگیری و پاسخ‌گویی و سهم‌بندی حوزه تأثیرگذاری و مسئولیت آنها.^۲ ۲. جهت‌دهی به معنای برخورداری از نظم، سازگاری و هم‌افزایی درونی و بیرونی^۳ برای اجرای خطمشی‌های فرهنگی.

۱. همان، ص. ۳۱

۲. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۱۱۲

۳. همان، ص. ۳۱

بسترسازی نرم: کمبود وفاق میان مجریان سیاست‌ها موجب می‌شود که اعتقاد و همراهی لازم برای سیاست‌ها و تعهد و انگیزه لازم برای اجرای خطمشی‌های تدوین شده، شکل نگیرد. در واقع بسترسازی نرم به ظرفیت‌سازی و توانمندسازی رفتار مجریان سیاست‌های فرهنگی برای ایجاد انگیزه و تعهد اجرایی مجریان اشاره می‌کند. این مسئله موجب هم‌افزایی درونی برای اجرا می‌شود. در نقشه مهندسی فرهنگی کشور بر ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی برای رفع موانع فرهنگی ساختاری و رفتاری^۱ در جهت هم‌افزایی درونی تأکید شده است.

بسترسازی سخت: توجه به سازوکارهای تعاملی برای هم‌افزایی توان اجرای مجریان، ذی‌نفعان و سیاست‌گذاران و جذب منابع لازم، توفیق عمل در مرحله اجرا را افزایش می‌دهد، به بیان دیگر، بسترسازی سخت به معنای جلب حمایت هدفمند از ظرفیت مجموعه‌های اثرگذار (هم‌افزایی بیرونی) در اجرای موفق خطمشی‌هاست. جذب منابع نیز به معنای بسیج همه امکانات و ظرفیت‌های مالی و غیرمالی است؛ زیرا مطابق سند نقشه مهندسی فرهنگی، جوهره و کارکرد مهندسی فرهنگی را تحقق و تأمین نحوه تعامل مؤثر و ارتباط سازمند و پویای نظام‌های اجتماعی و بسیج همگانی شکل می‌دهد.^۲

مشروعیت‌دهی: خطمشی و برنامه‌ای که مشروعیت لازم را نداشته باشد و به بیانی بر مبنای مشارکت و تضارب فکری شکل نگیرد، با وجود انگیزه‌ها و توجه به مؤلفه‌های مطلوب، اجرای خطمشی را با مشکل مواجه می‌کند. بر این اساس، اولویت ورود به مرحله اجرا، جلب مشروعیت برنامه‌ها و خطمشی‌هاست. این موضوع بر مبنای اسناد بالادستی مطالعه شده، به فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای طراحی سازوکارهای تعامل و تدوین نقشه راه مشارکت فعال استادان، نخبگان و دانشجویان در پروژه‌های ملی و تمدنی و سازوکار حمایت از آنها^۳ نیاز دارد.

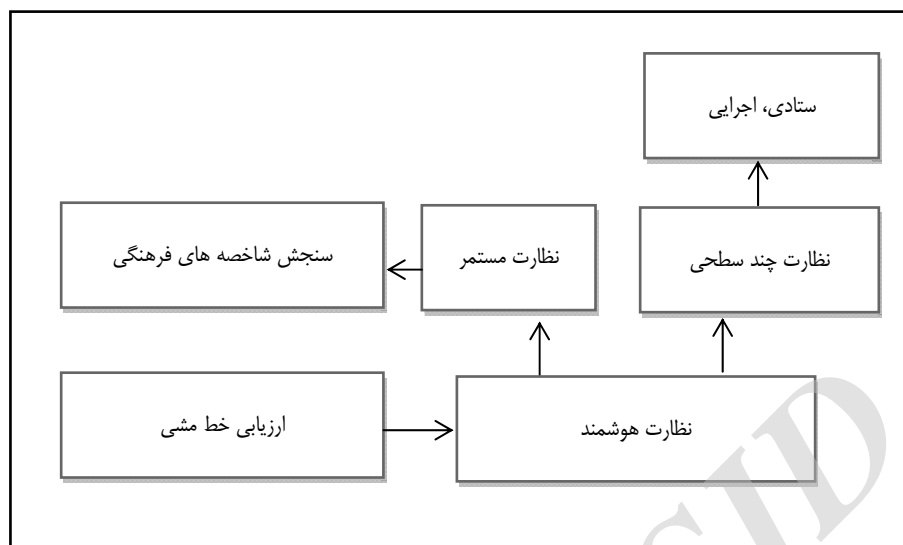
در مرحله ارزیابی فرایند خطمشی‌گذاری به شاخص مطلوبیت دیگری با مفهوم نظارت هوشمند دست یافتیم. نظارت هوشمند، نظارتی است که موجب پایش و برنامه‌ریزی برای مقابله هوشمند با محصولات فرهنگی و هنری معارض با ارزش‌های اخلاقی، انسانی، اسلامی و انقلابی می‌شود.^۴ این هدف با توجه به مؤلفه‌های نظارت مطلوب به نام‌های نظارت چند سطحی و نظارت مستمر تحقق می‌یابد. نظارت چند سطحی، نظارت چندلایه‌ای و همه‌جانبه در رده‌های مختلف مراحل خطمشی‌گذاری در ارکان ستادی و اجرایی است که زمینه ارزشیابی مطلوب را فراهم می‌کند. نظارت مستمر نیز، استمرار ارزیابی را از طریق نظارت‌های دوره‌ای، به منظور شناخت و نظارت بر روند تغییر و تحولات فرهنگی برحسب شاخص‌های تفصیلی فرهنگی، فراهم می‌کند.

۱. همان، ص. ۴۶.

۲. همان، ص. ۱۰.

۳. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ص. ۹.

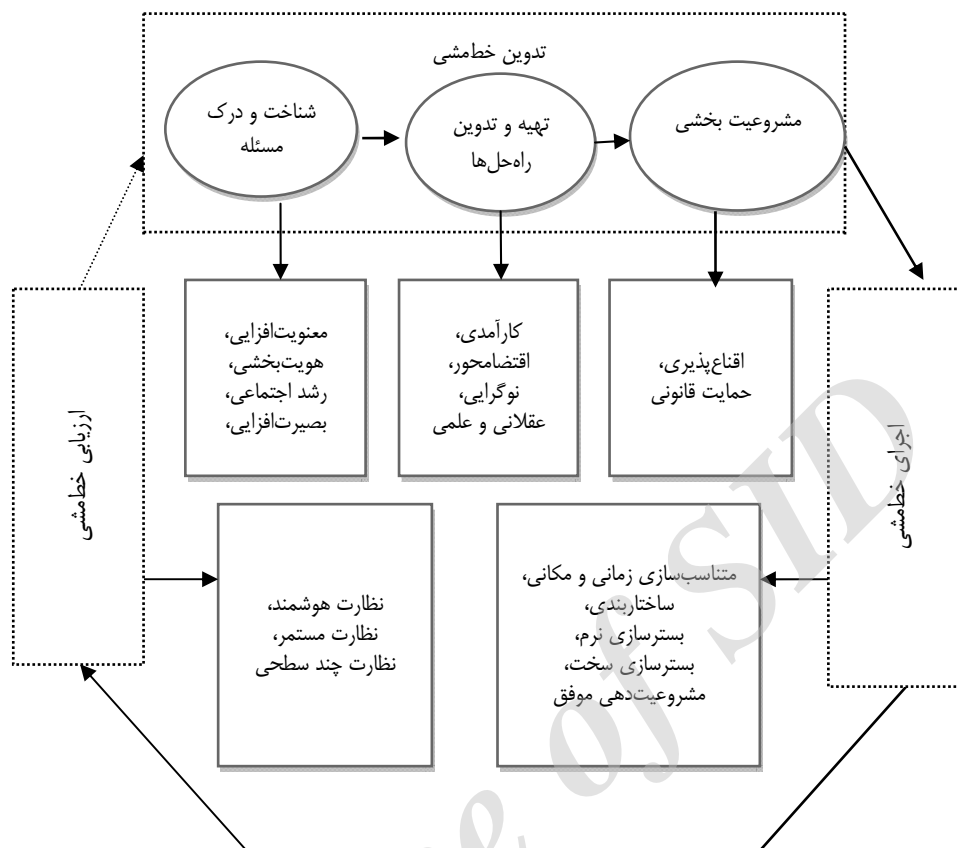
۴. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص. ۹۱.



شکل ۶. شاخص‌های مطلوبیت در مرحله ارزیابی خطمشی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وجود نظام ارزشیابی خطمشی فرهنگی، ضرورت مهمی برای سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی به‌منظور سنجش اثربخشی سیاست‌های فرهنگی در جامعه است. با توجه به گستردگی الگوهای ارزشیابی، نمی‌توان الگوی جهان‌شمول و جامعی را معرفی کرد که در همه حوزه‌ها به‌عنوان معیار سنجش اثربخشی شناخته شود (واعظی و همکاران، ۱۳۹۴). با وجود این، تدوین شاخص‌های برتری در هر حوزه از جمله فرهنگ، می‌تواند زمینه‌ساز الگوی مطلوب و مناسب برای ارزشیابی باشد. رویکرد دینی به فرهنگ، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه را در قالب محدوده مشخصی بر مبنای نظر دینی قرار می‌دهد و بر این اساس، خروج از محدوده شاخص‌های مطلوب دین در بیان ارزش‌ها، از طرف جامعه با اقبال روبه‌رو نمی‌شود. مبنای پیشرفت جامعه، پیشرفت فرهنگی است؛ به‌طوری که حاکم شدن ارزش‌ها در کالبد جامعه، موجب حرکت منسجم در تمام ابعاد زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی فردی در قالب سبک زندگی می‌شود. از این دیدگاه، فرهنگ نیازمند رصد مداوم و ارزیابی مستمر برای حفظ ارزش‌ها و هویت است. این در شرایطی است که وجود پارازیت‌های ضد فرهنگی علیه جامعه دینی، در مسیر پیشرفت و تعالی فرهنگ اخلال ایجاد می‌کند. بر این اساس توجه به فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد ایده‌آل‌نگری واقع‌بینانه به‌منظور تعیین و تبیین شاخص‌های مطلوبیت در مراحل تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی، سبب شد که در این پژوهش با اتکا به دیدگاه مطرح شده و با هدف ترسیم الگوی مطلوب ارزشیابی فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی، شاخص‌های مطلوبیت در هر مرحله با تکیه بر اسناد فرهنگی جداگانه بررسی و مشخص شود. شکل ۷ شاخص‌های وضعیت مطلوب را در هر مرحله نشان می‌دهد.



شکل ۷. الگوی ارزشیابی فرایند خطمشی گذاری فرهنگی

با توجه به پیشینه پژوهش‌ها در زمینه خطمشی گذاری فرهنگی، تبیین و معرفی الگوی ارزشیابی بر مبنای شاخص مطلوب خطمشی گذاری فرهنگی، در جامعه دینی به طور مشخص وارد نشده است و نمی‌توان الگوی ارائه شده را به طور کامل با پژوهش‌های گذشته مقایسه کرد. هر چند که تحقیقات گذشته حکایت از وجود مشکلات و آسیب‌هایی در حوزه خطمشی گذاری فرهنگی و به طور کلی در مراحل فرایند خطمشی گذاری دارد. مشبکی و خادمی (۱۳۹۱)، در مواردی آسیب‌های مرحله اجرا را آسیب‌های مجریان سیاست‌ها و زیرساخت‌های معیوب معرفی کردند. مکینده^۱ (۲۰۰۵) علل شکست در اجرای خطمشی را در غیبت منابع و تسهیلات کافی، تمایلات و انگیزه‌ها و نگرش مجریان، ارتباطات و اطلاعات ناکافی می‌داند. وی طبق الگوی نهایی خود، توجه به شاخص‌هایی از قبیل بستر سازی نرم و سخت به معنای ایجاد انگیزه، تعهد اجرایی، تلاش برای جذب منابع و هم‌افزایی بیرونی را برای حل این آسیب‌ها پیشنهاد کرده است. تامرز^۲ (۲۰۱۱)، به نقل از الوانی و همکاران، (۱۳۹۱)، بیگانگی مجریان از خطمشی را یکی از موانع مهم اجرا خطمشی معرفی می‌کند. این مانع اجرای خطمشی بر مبنای شاخص‌های الگوی پیشنهاد شده، به بستر سازی نرم اشاره می‌کند و در مجریان تعهد و انگیزه لازم را ایجاد می‌کند. این مهم از طریق پرداختن به تعامل و همگرایی بین خطمشی‌گذاران و

1. Makinde
2. Tummers

مجریان، از طریق مشارکت مجریان در مراحل قبل از اجرا تحقق می‌یابد. همچنین مشبکی و خادمی (۱۳۹۱)، آسیب‌های مرحله ارزشیابی را در نبود سازوکار کنترل و نظارت و اجرا نشدن دقیق ارزیابی معرفی کردند که طبق شاخص مرحله ارزشیابی الگوی ارائه شده، نظارت هوشمند در قالب نظارت مستمر و چند سطحی، معیاری برای پیشگیری از آسیب‌های مطرح شده است. بر اساس تحقیق باباخانی و افتخاری (۱۳۹۵)، خطمشی‌گذاری فرهنگی به دنبال تحقق اهداف اسلامی در جامعه است که بر پایه شاخص‌های الگوی ارائه شده در مرحله شناخت و درک مسئله، شاخص‌های معنویت‌افزایی، هویت‌بخشی، رشد اجتماعی و بصیرت‌افزایی از اولویت‌ها و اهداف اسلامی به‌شمار می‌آید و لزوم توجه خطمشی‌گذاران و تصمیم‌گیران فرهنگی به مؤلفه‌های مطلوبیت در مرحله مسئله‌شناسی را نمایان می‌کند. مقتدائی و ازغندی (۱۳۹۶) بر نقش مشارکت در تصمیم‌گیری فرهنگی و همچنین، ممانعت از موازی‌کاری و تداخل وظایف در خطمشی‌گذاری فرهنگی تأکید کردند. در الگوی ارائه شده نیز بر دو شاخص مهم تأکید شده است که عبارت‌اند از: ۱. همگرایی و تعامل در مرحله شناخت و درک مسئله و انتخاب راه‌حل‌ها که به مشروعیت‌پذیری خطمشی‌ها منجر می‌شود و ۲. ساختار بندی و سازماندهی به منظور وظیفه‌مندی و جهت‌دهی برای ممانعت از ایجاد تداخل در وظایف در مرحله اجرای خطمشی‌های فرهنگی. بر اساس مطالعات پارسونز^۱ (۲۰۰۷) عواملی همچون اعتقادات مذهبی، آموزه‌های اخلاقی و دینی، ایمان و تزکیه و تربیت افراد، نقش مهمی در خطمشی‌گذاری درست دارد؛ به این معنا که اگر بر مبنای شاخص‌های الگوی پیشنهاد شده، در گام مسئله‌شناسی به مطلوبیتی به نام معنویت‌افزایی توجه بشود، به‌طور مسلم خطمشی‌گذاری غنی از اعتقادات و باورهای دینی و اخلاقی در مقایسه با خطمشی‌گذاری فاقد این ویژگی، موفق‌تر عمل می‌کند و اولویت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی فرهنگی را در توجه و پرداختن به شاخص‌های مطلوب ارزشی قرار می‌دهد.

در ادامه به خطمشی‌گذاران، مجریان و ارزیابان خطمشی‌ها پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. الگوی نهایی نقشه راهی است که با دربرداشتن تمام شاخص‌های مطلوبیت در آن مرحله، می‌تواند از بروز آسیب‌ها جلوگیری کند. خطی‌مشی‌گذاران، مجریان و ارزیابان خطمشی بایستی قبل از تصمیم‌گیری در هر گام، تصمیم خود را با شاخص‌های ارائه شده در این الگو تطبیق دهند تا از این طریق در مسیر اطمینان از کسب نتیجه مطلوب قدم بردارند. همچنین مجریان و ارزیابان سیاست‌های فرهنگی قبل از اقدام باید شرایط اجرا و ارزیابی خود را با شاخص‌های پیشنهاد شده در الگو تطبیق دهند تا از بروز آسیب در اجرا و ارزیابی جلوگیری کنند.
۲. اگر به دلیل بی‌توجهی به شاخص‌های مطلوب در مرحله تصمیم‌گیری و اقدام، مشکلات و آسیب‌هایی به‌وجود آمد، خطمشی‌گذاران، مجریان و ارزیابان خطمشی‌ها می‌توانند با رجوع به الگوی ارائه شده، علت بروز مشکل و ناموفق بودن خطمشی‌ها را بین شاخص‌های مطرح شده پیدا کرده و نسبت به حل آنها اقدام کنند.
۳. برای سنجش اثربخشی هر مرحله بر پایه شاخص‌های مطلوبیت، باید به پیوستگی و وابستگی مراحل فرایند خطمشی‌گذاری توجه شود؛ زیرا بی‌توجهی به این مسئله، زمینه بروز خطا در تعیین اثربخشی نهایی خطمشی فرهنگی را فراهم می‌کند؛ به بیان دیگر، علاوه بر مقایسه وضعیت موجود با وضعیت مطلوب بر اساس

شاخص‌های مطلوب در هر مرحله، توجه به پیوستگی و وابستگی مراحل خطمشی‌گذاری در راه پیشگیری از بروز آسیب یا درمان آسیب‌های احتمالی، ضروری است.

۴. شاخص‌های مطلوبیت در گام‌های تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، مشروعیت‌بخشیدن، اجرا و ارزیابی خطمشی در فرایند خطمشی‌گذاری را می‌توان در بخش‌های گوناگون استفاده کرد.

در این پژوهش تلاش شد که الگوی جامعی ارائه شود، اما یکی از محدودیت‌های موجود در این پژوهش، بهره‌گیری مطلق از اسناد فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران بود که با وجود غنا و جامعیت این اسناد، نظر نخبگان فرهنگی و افراد متخصص در آن می‌تواند روی نتایج تأثیرگذار باشد. از این رو موضوع زیر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

- تدوین و ترسیم الگوی مطلوب ارزشیابی بر پایه نظر صاحب‌نظران و تصمیم‌گیرندگان فرهنگی و مقایسه آن با الگوی این پژوهش، به‌منظور ترسیم الگوی کامل و مطلوب ارزشیابی فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی.

منابع

- ابوالحسنی رنجبر، احمد؛ دانش‌فرد، کرم‌الله؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۶). ارائه الگوی دستور کار خطمشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران. *مدیریت دولتی*، ۹(۴)، ۶۱۵-۶۴۰.
- اسدی‌فر، رویا؛ فانی، علی‌اصغر؛ آذر، عادل؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۹۵). مدل تجزیه و تحلیل خطمشی عمومی در ایران. *مدیریت دولتی*، ۸(۲)، ۲۵۵-۲۷۶.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱). *روش خطمشی‌گذاری فرهنگی*. تهران: کتاب آشنا.
- افتخاری، اصغر؛ بابا خانی، مجتبی (۱۳۹۵). سیاست و فرهنگ / شاخص‌های سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۳)، ۵۷-۹۰.
- الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۰). *فرایند خطمشی‌گذاری عمومی (چاپ هشتم)*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- الوانی، سید مهدی؛ هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۸۷). ارائه مدل بومی خطمشی‌گذاری متوازن بخش فرهنگ. تهران، همایش ملی و تحول در فرهنگ و هنر، ۱-۲۵.
- باقری فرد، محمدحسین؛ توکلی، عبدالله؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری فرهنگی در دولت دینی. *حکومت اسلامی*، ۲۰(۱)، ۱۷۳-۲۰۵.
- باقری فرد، محمدحسین؛ توکلی، عبدالله؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۹۵). سازوکارهای تأثیرگذاری دینی در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی با تأکید بر مرحله تدوین. *دین و ارتباطات*، ۳۳(۲)، ۵-۲۷.
- پورعزت، علی اصغر؛ رحیمیان، اشرف (۱۳۹۱). ویژگی‌های خطمشی‌گذاری عمومی برای اداره شهرهای پر تنوع و پیچیده (مورد مطالعه: شهر تهران). *مدیریت دولتی*، ۴(۱۰)، ۲۵-۴۴.
- حسنقلی‌پور، حکیمه؛ امیری، مجتبی؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۶). توسعه مدل ارزشیابی خطمشی نگهداشت اعضای هیئت علمی در آموزش عالی. *مدیریت دولتی*، ۹(۳)، ۴۸۹-۵۱۶.
- حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). *مبانی و اصول سیاست‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: آن.

- دانایی فرد، حسن؛ خیرگو، منصور؛ آذر، عادل؛ فانی، علی اصغر (۱۳۹۱). فهم انتقال خطمشی اداری در ایران/ پژوهشی بر مبنای راهبرد داده بنیاد. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۰(۲)، ۵-۲۸.
- ذکایی، سعید؛ شفیعی، محمد؛ سادات، سمیه (۱۳۸۹). کالبدشکافی خطمشی گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲۰(۲)، ۷۷-۱۲۰.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۲). سیاست پذیری فرهنگ، کتاب سیاست گذاری و فرهنگ در ایران امروز، به اهتمام مجید وحید. تهران: باز. شریفزاده، فتاح؛ الوانی، سید مهدی؛ رضایی منش، بهروز؛ مختاریان پور، مجید (۱۳۹۲). موانع اجرایی سیاست های فرهنگی کشور طی برنامه های اول تا چهارم توسعه: بررسی تجربه مدیران فرهنگی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۷(۱)، ۳۳-۷۷.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۱). اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). نقشه مهندسی فرهنگی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صحیفه نور (۱۳۸۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- صدوقی، مجید (۱۳۸۷). معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی. روش شناسی علوم انسانی، ۱۴(۵۶)، ۵۵-۷۲.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۰(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- قلی پور، رحمت اله؛ آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). فرایند سیاست گذاری عمومی در ایران. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- کمیلی فرد، سید مجتبی؛ طهماسبی بلوک آباد، رضا؛ حمزه پور، مهدی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل گام های نظام خطمشی گذاری فرهنگی در انقلاب اسلامی ایران. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۷(۲۲)، ۲۲-۳۸.
- مشبکی، اصغر؛ خادمی، علی اکبر (۱۳۹۱). بررسی آسیب شناسانه سیاست ها و سیاست گذاری فرهنگی در ایران بعد از انقلاب اسلامی. نامه پژوهش فرهنگی، ۹(۴)، ۱۳۳-۱۷۸.
- مقتدایی، مرتضی؛ ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵). آسیب شناسی خطمشی گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. علوم سیاسی، ۱۲(۳۴)، ۷-۲۶.
- واعظی، رضا؛ شریفزاده، فتاح؛ محمدی، محسن (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت بندی الگوهای ارزیابی خطمشی عمومی. علوم مدیریت ایران، ۱۰(۴۰)، ۱-۲۲.

References

- Abedijafari, H., Taslimi, M.S., Faghihi, A. & Sheikhzade, M. (2011). Thematic analysis and thematic network: a simple and effective way for Explaining existing patterns in qualitative data. *Journal of Strategic Management Thought*, 10(2), 151-198. (in Persian)
- Abolhasani Ranjbar, A., Daneshfard, K., & Faghihi, A. (2017). An Agenda Setting for the Reformation Policies of Administrative System in Iran, *Journal of public Administration*, 9(4), 615-640. (in Persian)
- Alkin, M.C., & Christie, C.A. (2012). *An Evaluation Theory Tree*. In M. Alkin (Ed.), *Evaluation roots: A Wider Perspective of Theorists' Views and Influences*, 11-58, Thousand Oaks: SAGE.

- Alvani, S. M. & Sharifzade, F. (2011). *Public Policy Making Process*, (8th Impression), Tehran: Allameh Tabatabai University. (in Persian)
- Alvani, S.M., & Hashemiyan, S.M.H. (2008). Propose of local Model balanced policy department of culture. *National Conference and Changing Culture and Art*, 1-25. (in Persian)
- Asadifard, R., Fani, A.A., Azar, A. & Alvani, S. M. (2016). Public Policy Analysis Model in Iran, *Journal of public Administration*, 2(8), 255-276. (in Persian)
- Ashtariyan, Q. (2002). *Method of Cultural policy*. Tehran: Ketabe Ashena. (in Persian)
- Bagherifard, M.H., Tavakkoli, A., Alvani, S.M. (2015). Cultural policy in the religious Government. *Journal of Islamic Government*, 20(1), 173-205. (in Persian)
- Bagherifard, M.H., Tavakkoli, A., Alvani, S.M. (2016). Mechanisms of Religious influence in Cultural policy making process with Emphasis on Step formulation. *Journal of Religion and communication*, 23(2), 5-27. (in Persian)
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *qualitative Research in psychology*, 2(3), 77-101.
- Brownson, R.C, & Royer, C., & Chiqui, J.F. (2009). Understanding evidence-based public health policy. *American Journal of Public Health*, 99 (9), 1576–1583.
- Danaifard, H. & Kheirgo, M. & Azar, A. & Fani, A. (2012). Understanding office policy the transfer in Iran/ a research Based on Foundation data strategy. *Journal of Management of Organizational Culture*, 10(2), 5-28. (in Persian)
- Dye, T. (2013). *Understanding Public Policy* (14th ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice.
- Eftekhari, A. & Babakhani, M. (2016). Politics and culture/ indices of Cultural policy from the point of view emamkhomeini. *Journal of Iranian Cultural Research*, 9(3), 57-90. (in Persian)
- Gholipour, R. & Ahangar, E. (2010). *Public policy making process in Iran*, Tehran: Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of Iran. (in Persian)
- Hasangholipour, H., Amiry, M. & Pourezat, A.A. (2017). Developing a Model for the Evaluation of Effective Retention Policy for Faculty Members in Higher Education, *Journal of public Administration*, 9(3), 489-516.
- Haynes, J. (2015). Religion, 'soft power' and foreign policy making in the USA, India and Iran". *Governance and International Relations journal*, 11(4), 1-21.
- Holloway, I. & Todres, L. (2003). The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence. *Qualitative Research*, 3(3), 345-357.
- Hosseinli, R. (2000). *Basics and Principles of cultural policy in Islamic Republic of Iran*. Tehran: An. (in Persian)
- John, K., & Lera, T. (2012). Human resource management and value addition through strategic human resource planning. *Research Expo International Multidisciplinary Research Journal*, 2(4), 58-66.
- Jones, C.O. (1977). *An Introduction to the study of public policy*. Massachusetts: Duxbury.

- Komeilyfard, S.M., Tahmaseby blokabad, R., Hamzepoor, M. (2017). Study and analysis of steps Cultural Policy in Islamic revolution of Iran. *Research Journal on Islamic Revolution*, 7(22), 22-38. (in Persian)
- Makinde, T. (2005). Problems of Policy Implementation in Developing Nations: The Nigerian Experience. *Journal of Social Sciences*, 11(1), 63-69.
- Moghtadai, M. & Azghandi, A. (2016). Pathology Cultural Policy of Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Science*, 12(34), 7-26. (in Persian)
- Moshabaki, A. & Khademi, A. (2012). Study Pathologically politics and Cultural Policy in Iran after Islamic Revolution. *Cultural Research Letter*, 9(4), 133-178. (in Persian)
- Parsons, K. R. (2007). *A Study of Religouce Faith and the Ethical Decision Making Prosses*. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in Leadership and Human Resource Development.
- Pourezzat, A.A. & Raheimian, A. (2012). Public Policy necessities for administration of complex and different cities (Case study: Tehran). *Journal of public Administration*, 4(10), 25-44. (in Persian)
- Sadooghi, M. (2008). Criteria of Evaluating Qualitative Research. *Methodology of Social Sciences and Humanities Journal*, 14(56), 55-72. (in Persian)
- Sahife-y- Noor (2004). Tehran: Institute of Arranging and publishing of Emam Khomeini works. (in Persian)
- Salimi, H. (2003). *Culture of politics, book of policy and Culture in Iran Today*. By the good offices of Majid Vahid, Tehran: Baz. (in Persian)
- Scollon, R. (2001). *Inter-Cultural Communication*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Sharifzade, F., Alvani, S.M., Rezaiimanesh, B. & Mokhtariyanpour, M. (2013). Barriers to the implementation the cultural policy of the country During the first to fourth development plans: study Experience of Cultural managers. *Journal of Strategic Management Thought*, 7(1), 33-77. (in Persian)
- Supreme Council for Cultural Revolution (1991). *Principles of Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Secretariat Supreme Council for Cultural Revolution. (in Persian)
- Supreme Council for Cultural Revolution (2013). *Engineering Map of Country Cultural*. Tehran: Secretariat Supreme Council for Cultural Revolution. (in Persian)
- Taylor, S. E. (1991). *Primitive Culture, Researches into the Development of Mythology*. philosophy, Language, Art and custom (1). London.
- Twining, J. (2000). *A Naturalistic Journey into the Collaboratory: In Search of 27. Understanding for Prospective Participants*. Doctoral Dissertation, Denton: Texas Woman's University.
- Vaezi, R., Sharifzade, F. & Mohamadi, M. (2015). Identification and prioritize of Public Policy Evaluation Patterns. *Journal of Iran Management Sciences*, 10(40), 1-22. (in Persian)
- Zokaii, S., Shafii, M. & Sadat, S. (2010). Dissection of cultural policy islamic_republic_of_iran, *Journal of Cultural Studies and Connections*, (20), 77-120. (in Persian)